

جایگاه زن در اندیشه اسلامی

اعظم احمدی^۱

چکیده

زن نیمی از پیکره‌ی اجتماع انسان است شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی‌گمان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی ایفا کند. در بستره فرهنگی و اعتقادی که اسلام ظهور کرد، شخصیت، حقوق و جایگاه زن به گونه‌ای خاص تفسیر شد تنها تمایزی که اسلام به رسمیت می‌شناسد تمایز جسمی است که مانند هر واقعیت دیگری آثاری در عرصه زندگی دارد و در امر قانونگذاری، عوارض و مقتضیات ویژه خود را داراست طبیعی است که این دوگانگی جسمی به لحاظ وظیفه اجتماعی و انسانی که هر کدام زن و مرد دارند. شناخت شخصیت زن، زمینه تفکر و معرفت محسوب می‌شود اگر در پی یافتن تفکری باشیم که در آن زن موجودی با شخصیت، محترم و با حقوق و اختیارات مناسب معرفی شده و نیازهای فردی و اجتماعی او را در حد کامل قابل قبولی تضمین شده باشد بی‌شک جز آنچه در مکتب اسلام هست، چیزی اضافه طلب نمی‌کنیم. از این‌رو در این پژوهش برآنیم تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهشی جایگاه زن را در اندیشه اسلامی مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم. در نگاه اسلام زن یک موجودی برتر است که می‌تواند هم خود و هم جامعه بشری را در نیل به سعادت و نیکبختی رهنمون سازد او با حضور مستقیم خود و نیز در نقش همسری شایسته، و با تربیت فرزندان که در آینده مردانی نیک اندیش و زنانی صالح خواهند بود آینده بشر را رقم می‌زنند. بدین ترتیب، تهیه و تدوین نامه‌های جامع، پویا و مؤثر برای زنان و فراهم کردن شرایط مناسب باعث حفظ و تقویت شئون انسانی و تحکیم جایگاه وی در خانواده زمینه شکوفایی ابتکار و خلاقیت را برای آنان ایجاد و امکان ارتقاء فرهنگی و مشارکت سازنده و گسترده زنان را در جامعه فراهم آورده تا موجب پیشرفت فرهنگی اجتماعی و سیاسی زن شوند.

واژه‌های کلیدی: تمایز، زن، حقوق.

^۱ طلبه سطح ۲، پایه ۵، حوزه فاطمیه (سلام الله علیها) شهرکرد: ۰۹۱۴۰۲۳۲۶۹۶.

مقدمه

انسان در دو قلمرو زن و مرد، در عین حال که موجودی مختار و آزاد است می‌تواند آزادانه تصمیم بگیرد. و در میان راه‌ها و کارهای گوناگون یکی را برگزیند با این همه در محدوده تخلف ناپذیر قوانین جبری طبیعی قرار گرفته است به گونه‌ای که در اسارت این قوانین و سنت‌هاست و در این قلمروها نمی‌تواند گامی فراتر یا فروتر نهد. قوانین تخلف ناپذیر حاکم بر هستی موجودات، از آن جمله بر هستی زن و مرد، با نقش و رسالت هر یک پیوندی گسست‌ناپذیر دارد و هر یک از دو جنس، باید نقش و رسالت خویش را در چارچوب همان قوانین بجویند. پس هر موجودی باید در چارچوب هویت وجودی و کیان انسانی خویش به تلاش پردازد و در میدان اندیشه و عمل گام نهد. یعنی آنچه را قوانین طبیعی بر عهده هر یک گذاشته و از آنان انجام درست آن را خواسته است. تساوی حقوق و برابری انسانی، به معنای تساوی رسالت هر دو جنس موجب می‌گردد که نقش اصلی هر جنس نیک انجام نیابد و از این نقطه در جامعه بشری، نابسامانی‌های اصول پدیدار گردند طرفداران حقوق زن، اگر این روش را برگزینند و همسان‌سازی فراگیر هر دو جنس را تبلیغ کنند هر دو جنس را از ایفای نقش اصلی خود بازمی‌دارند موضوع دیگر که در همسان‌سازی زن و مرد شایسته ژرف نگریست این همسان‌سازی‌ها از اندیشه‌های مردگرایی برمی‌خیزد و ارزش و اصالت را به جنس مذکر می‌دهد و می‌کوشد تا زن را برانگیزد که خود را رو به مرد برساند و چون آنان بیندیشد و عمل کند و احساس و عواطف مردانه داشته باشد و نقشی چون آنان بیافریند و این تحقیری بزرگ نسبت به زن است زیرا معیار ارزش و برتری مرد بودن نیست که نهضت زن‌گرایی، به مردسازی زنان پردازد تا از این رهگذر به زنان هویت و شخصیت بخشد و کیان والای زن بودن را نادیده بگیرد زن بودن خود کمال و ارزش است، و بستر مناسب تعالی و تکامل انسانی نیز هست. چنانچه هر کدام به حسب قوانین الهی نقشی بر عهده دارند و با رسالتی را بر دوش می‌کشند، که ایفای آن نقش، دستیابی به کمال مطلوب و سعادت این دنیا به جهان دیگر است. باتوجه به مطالب ذکر شده و از آنجا که امروزه بسیاری از انحرافات اجتماعی خانواده همچون، پرخاشگری، بی‌اعتمادی، سوءظن، همسرآزاری، کم توجهی به امور خانه، تجمل‌گرایی، اختلافات میان زن و شوهر، اعتیاد جوانان، طلاق، بحران در هویت شخصی و تزلزل پایه‌های خانواده و... در اثر افراط و تفریطها و ره‌آورد جریان فمینیسم است پرداختن به موضوع جایگاه زن در اندیشه اسلامی ضرورت می‌یابد. از این‌رو این پژوهش تلاشی است برای شناخت جایگاه زن در اندیشه اسلامی. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پژوهشی می‌باشد؛ سؤالات پژوهش شامل موارد زیر است:

۱_ آفرینش زن چگونه است؟

۲_ آیا زن با مرد تساوی یا تفاوتی دارد؟

۳_ حقوق و جایگاه زن در اسلام چگونه است؟

این پژوهش دارای پیشینه‌ی پژوهشی زیر است:

بنت‌الهدی صدر، جایگاه زن در اسلام، انتشارات: امام موسی صدر، ۱۳۹۳.

نویسنده در این کتاب بیان می‌کند: از مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد اسلام به زن که آن را از دیگر ایدئولوژی‌ها و مکاتب پیش و پس از خود متمایز می‌کند، آن است که اسلام در کلیه احکام، آموزه‌ها و دیدگاه‌های خود، زن و مرد را از منظر «انسانی» می‌نگرد. نگاه اسلام به زن به مثابه یک موجود مؤنث، همچون نگاه او به مرد به مثابه یک موجود مذکر است. اسلام همان‌طور که مرد را به منزله انسان مورد توجه قرار می‌دهد و او را راهنمایی می‌کند، در بُعد انسانی زن را نیز با مرد برابر می‌داند و او را راهنمایی و ارشاد می‌کند. زیرا آن دو از لحاظ کرامت و جایگاه انسانی برابر هستند.

سیده راضیه موسوی، فریدون اکبرزاده، حامد محقق‌نیا، بررسی تطبیقی نقش و جایگاه زنان در اندیشه و نهضت امام خمینی و امام موسی صدر، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۴، ۱۴۰۰.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه‌های اسلامی و عقلانی آنان بر مبنای فقه سیاسی و پویای تشیع دارای تشابهات بسیار و رویکردی بر اساس تکامل‌گرایی زنان می‌باشد که نگرش‌های پیشین را افراط‌گرا یا تفریط‌گرا دانسته و با موازین شرع و فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی ناسازگار می‌بینند و معتقدند که سعادت جامعه انسانی در پرتو توازن میان زن و مرد و قرار گرفتن هر یک در جایگاه مناسب خود، تأمین می‌شود، نه در تقابلی که سنت‌گرایان گفته‌اند و نه در تشابهی که جهان غرب بر آن تأکید دارد بر مبنای این رویکرد که بیانگر نگرش اسلام نسبت به زن است، زنان همچون مردان در عرصه اجتماعی پایگاه و موقعیت مناسب دارند و مسئولیت‌های اجتماعی متعددی به‌طور یکسان متوجه زن و مرد می‌باشد.

یوسف حسین‌نژاد، سیده معصومه اسماعیل‌پور، زن در اندیشه اسلامی، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۸، ۱۳۹۶.

نویسنده در این پژوهش پس از اثبات ارتباط وظیفه‌مداری زن مسلمان در بستر عبودیت، وظایف وی را در سه بخش دسته‌بندی کرد که عبارتند از: وظایف فردی زن مثل خودسازی، علم‌آموزی، امر به معروف و نهی از منکر؛ وظایف زن در خانواده (نقش همسری، نقش مادری، نقش خانه‌داری؛ و ولایت‌مداری زن (وظیفه زن در جامعه؛ یعنی حضور در فعالیت‌های «سیاسی، علمی فرهنگی و اقتصادی»).

۱. آفرینش زن

در جهان‌بینی غیرالهی، حقیقت بشر پیکر مادی اوست که بریده از خالق هستی است و تنها در محدوده عالم طبیعت تحلیل و بررسی می‌شود. از آنجا که این پیکره مادی در دو جنس مخالف تجسم یافته است برنامه‌ریزی‌ها و تعیین حد و مرز میان این دو صنف مرد و زن دچار مشکل شده است. چنانچه در حمایت از زن و رفع مشکلات او گاه تئوری آفرینش طفیلی زنان و زمانی نظریه آفرینش اصیل او به‌عنوان جنس برتر مطرح می‌شود. ولی این همه کرامت انسانی زن را لگدمال کرده و او را از رسیدن به هدف غایی خلقتش بازداشته است. اما در جهان‌بینی الهی، ارتباط انسان با خالق هستی و پیوند با عالم لاهوت تحلیل می‌شود. انسان، حقیقت واحد است که با اختیار و ارائه خود مسیر هدایت یا ضلالت را برمی‌گزیند و از اعلا علیین تا اسفل سافلین در نوسان است.

این هویت انسانی است که حامل ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، واجد شئون مختلف سعادت و شقاوت؛ کفر و ایمان حق و باطل می‌شود. در این میان، جنسیت به هیچ‌رو عاملی تعیین‌کننده نیست. یکی از موضوع‌هایی که در تبیین مقام و منزلت زن، نقش مهمی ایفا کرده است و ما را از جایگاه واقعی رهنمون می‌شود بررسی داستان آفرینش انسان از نظر قرآن کریم است.

برخی مفسران مسئله را از شئون الهی و درک آن را برای بشر امری بس دشوار می‌دانند آنان از طرح نظریات علمی در این خصوص خودداری و تنها به پیام داستان بسنده می‌کنند.

طنطاوی معتقد است اساساً کیفیت آفرینش آدم و حوا چندان روشن نیست و قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی مسئله خلقت را به‌طور مجمل بیان نموده‌اند. و در عین حال، همین مفسران از طرح دیدگاه‌های گوناگون و نظریه‌پردازی غفلت نکرده با توجه به فرضیه‌های موجود هر یک طریقی پیموده‌اند.^۱

به‌طور کلی با مراجعه به آیات، روایات و تعالیم دین درمی‌یابیم که اسلام مرد و زن را در آفرینش از یک جنس می‌داند اساساً انسانیت و کمالات انسانی به روح مربوطند.^۲

قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»^۱

^۱ فتاحی‌زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۱۴۷_۱۳۴

^۲ کریمی، حقوق زن، ص ۱۱.

«الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ (همو که شما را از یک انسان آفرید)».

به باور همه مفسران، منظور از «نفسِ واحدۀ»_ یا یک انسان_ حضرت آدم است و دلیل به کار رفتن واژه «واحدۀ» برای «نفس» آن است که این واژه در لفظ مؤنث و در معنا مذکر است.

به عقیده بیشتر مفسران، «حوا» همسر آدم (علیه السلام) از یکی از دنده‌های آدم آفریده شده است.

از پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) نیز روایت کرده‌اند که: همسر آدم از یکی از دنده‌های او آفریده شده است.

همچنین از آن حضرت نقل کرده‌اند که فرمود: زن از دنده آدم آفریده شده است؛ اگر بخواهید او را راست کنید در هم می‌شکند و چنانچه او را به حال خود واگذارید از وجودش بهره‌مند می‌شوید.

«وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت».

همه انسان‌ها از جنس آدم (علیه السلام) آفریده شده‌اند و حوا نیز از جنس اوست. این برابری در اصل خلقت و آفرینش، نعمتی است گران به انسان‌ها و نشانگر این حقیقت که همه آدمیان باید با توجه به برابری در آفرینش و اصل وجود خویش، دست از تبعیض‌گرایی و کینه‌جویی و دشمنی بردارند و در سایه مهر و دوستی و اصل تعاون اجتماعی، طرح زندگی بیفکنند.

همچنین باید متوجه باشند که تنوع رنگ‌ها و نژادها و گوناگونی ملت‌ها و تیره‌های بشر، با وجود یگانگی در آفرینش و برابری در خلقت آنان دلیل روشنی است بر دانش بیکران و حکمت و قدرت آفریدگار انسان و جهان.^۳ قرآن کریم در آیه ۲۱ روم فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».^۴

و از نشانه‌های خدا این است که از خود شما انسان‌ها همسرانی برایتان آفرید.....

به باور "ابومسلم" این یکی از نعمت‌های گران‌خداست که از نوع انسان برای او همسر آفرید، چرا که انسان به هم‌نوع و هم‌شکل خود گرایش و دل‌بستگی بیشتری دارد.

امتا به باور "فتاده" منظور این است که:

^۱ نساء: ۳.

^۲ نساء: ۱.

^۳ بیستونی، تفسیر بیان، صص ۳۳۷-۳۴۰.

^۴ روم: ۲۱.

از نشانه‌های قدرت خدا این است که مادر شما انسان «حوا» را، از استخوان پهلوی آدم برگرفت و نگاه او را آفرید. پاره‌ای گفتند منظور این است که:

زن نیز از نطفه مردان آفریده شده‌اند.^۱

با این بیان خلقت حوا (علیه‌السلام) بعد از حضرت آدم (علیه‌السلام) بوده است ولی صرف تأخیر زمانی در آفرینش یک موجود به معنای پستی وجود متأخر نیست، چرا که هر دو از یک گوهر وجودی هستند و امتیازی بین آنها نیست مگر به اوصاف و اخلاق اکتسابی و فرض آن که زن از بدن مرد آفریده شده باشد، دلالتی بر طفیلی بودن حقیقت وجودی یک جنس نیست.^۲

در سوره حجرات آیه سیزدهم:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

قرآن کریم بعد از تحریم خصلت نکوهیده و زشت که از ابزارهای تهاجم به حقوق و آزادی و کرامت انسان‌ها، از سوی استبدادگران و اصلاح‌ناپذیران است، به ترسیم منشور برابری انسان‌ها می‌پردازد و می‌فرماید:

«هان ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن که _ آدم و حوا باشند _ آفریدیم.»

روشن است که با این بیان همه انسان‌ها در ریشه و تبار برابرند چرا که پدر و مادر همگی آنان آدم و حوا می‌باشند.

بدین‌وسیله قرآن همه برتری‌جویی‌ها ناروا، نژادپرستی‌ها، و فخرفروشی‌ها و نازیدن به نیاکان و استخوان‌های پوسیده، همه را نفی می‌کند و به همگان در این مورد هشدار می‌دهد. از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آورده‌اند که در این مورد می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتُمْ مِنْ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ كَجَمَامِ الصَّاعِ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَىٰ أَحَدٍ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ».

جزء این نیست که همه شما از زن و مردی آفریده شده‌اید، و هیچ کس بر دیگری، جز در پرتو پروای خدا و شایسته کرداری و رعایت حقوق خدا و خلق برترین نخواهد داشت.^۳

از دیدگاه دیگر نفس انسان عبارت از چیزی است که انسان به واسطه آن انسان شده است و آن مجموعه روح و جسم وی در این زندگی، و روح تنها در زندگی برزخ است لذا از ظاهر عبارت «نفس واحده» آدم و از «زوجها»

^۱ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

^۲ کریمی، حقوق زن، ص ۱۱.

^۳ بیستونی، تفسیر بیان، ج ۲۶، صص ۲۹۴_۲۹۳.

زن اوست، و این دو پدر و مادر نسل انسان کنونی می‌باشند که ما از آنان هستیم، و طبق آنچه که از ظاهر قرآن کریم استفاده می‌شود انسان‌های کنونی همه به آن دو منتهی می‌شوند.

بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که مقصود از «نفس واحده» و «زوجها» هر زن و شوهری است که نسل انسانی بر محور آن می‌چرخد، بنابراین هر یک از شما از یک پدر و مادر که از جنس بشرند آفرید و از این جهت بین شما اختلافی نیست، مانند آیه ۱۳ سوره حجرات که می‌فرماید: «افراد از آن نظر که همه، چه زن و چه مرد، از یک پدر و مادر به دنیا آمده‌اند و فرقی ندارند. بدیهی است که این تفسیر خالی از فساد نیست، چرا که دو آیه سوره حجرات و نساء با هم فرق روشنی دارند چراکه آیه سوره حجرات می‌خواهد بیان کند که افراد انسان از جهت انسانیت یکی هستند و از این جهت که هر یک از آنها نسبتش به پدر و مادری که از همین جنس انسانند منتهی می‌شود، فرقی ندارد، پس نباید یکی از آنان به دیگری تکبر کند، و یا جز بر اساس تقوا برای خود امتیازی قائل شود اما سوره نساء در مقام آنست که بگوید حقیقت افراد انسان یکی است، و تمام آنان با این همه کثرتی که در بینشان ملاحظه می‌شود از یک اصل می‌باشند.^۱

لذا خداوند در آیات قرآن فرموده است:

بهترین آفرینش را رقم زده است و سرآمد همه این خلقت انسان‌هاست.

بنابراین، از روح برگزیده خود را در پیکره انسان دمیده و به ایشان آب حیات داد.

آیات قرآن حقیقت انسانی را همین "روح الهی" معرفی کرده است و این انتصاب امتیازی است برای انسان‌ها بدون آنکه کوچک‌ترین اثری از جنسیت در برخورداری از این امتیاز مطرح شده باشد. آن که شرافت نصیب وی گشته انسان است، بدون هیچ قید دیگری اعم از زن و مرد و...^۲

بنابراین زن و مرد هر دو دارای شخصیت انسانی هستند. قرآن هنگامی که داستان خلقت و جانشین را نقل می‌کند و جریان وسوسه شیطان و خروج از بهشت و توبه را بازگو می‌کند در همه این آیات سخن از آدم و حوا در کنار یکدیگر است.

آفرینش زن و مرد یکسان است و هر دو از یک جنس و منشاء هستند. آنها درباره استعدادها مانند داشتن روح الهی، تسویه و هماهنگی در خلقت، ابزار ادراکی مختلف مانند شنوایی بینایی و دل، فطرت الهی، وجدان و شناخت خوبی و بدی، حمل بار امانت و تکلیف و همچنین برخورداری از امکانات طبیعی و هدایت انبیاء، در همه این ابعاد مشترک هستند.

هدف از آفرینش زن و مرد یعنی عبادت و کمال و قرب الهی مشترک است.

^۱ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، صص ۲۳۲-۲۳۱.

^۲ مظاهری، شخصیت زن در قرآن و عهدین، ص ۱۰۳.

نسبت به ارزش‌های مختلف و کمالات مانند ایمان و عمل صالح و علم و تقوا هر دو مساوی هستند. راه کمال هر دو توحید است و دشمن مشترک هر دو شیطان است. خلاصه هر دو فردی هستند از نوع مشترک انسانی.^۱

۲. تساوی زن و مرد

با وجود تفاوت انسان‌ها که امری غیرقابل انکار است، یک سلسله امور واحد نیز وجود دارد و وجه تساوی همه انسان‌هاست و محوری است که افراد در طی قرون بر گرد آن در حرکت‌اند. در این حقایق، تفاوتی بین گذشتگان و آیندگان نیست. بلکه، این چون حلقه‌هایی هستند که زنجیره انسانیت گذشته و آینده را به هم پیوند می‌زند. ما این حقایق مشترک را به سرست انسانی که خداوند در نهاد انسان به ودیعه نهاده تعبیر می‌کنیم که عبارتند از:

فطرت خداشناسی

فطرت که خداوند به‌طور یکسان در نهاد هر شخص قرار داده تا بتوان حتی بدون داشتن یک آیین مکتوب خدایی خود را بیابد و راه مستقیم را فراموش نکند و در این میان هیچ فرقی میان گروه‌ها از نظر سن، نژاد، جنسیت نگذاشته است این تعبیر برای انسان در قرآن اعم از زن و مرد بدون هیچ قید و شرط است، خداوند گرایش به حق، حقیقت، کمال و توحید و نیز گریز از باطل، نقص و شرک ... را در فطرت انسان نهادینه کرده است.

«فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»

آنگاه قدرت شناخت بزهکاری و پرهیزکاری را به او الهام کرده از دیدگاهی منظور این است که آنگاه او را از گناه و نافرمانی خدا هشدار داد و به انجام کارهای شایسته تشویق و ترغیب کرد. اما از دیدگاه دیگر آن است که قانون‌گرایی و قانون‌شکنی را به او آموخت تا انتخاب‌گرانه خدا را فرمان برد و از نافرمانی خدا دوری جوید و کار شایسته انجام دهد و از گناه و شرارت دوری گزیند.^۲

معرفت خیر و شر

از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده سرشت انسانی، آگاهی غیرکتسابی او به ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست. معرفت خیر و شر همان نیروی درونی خدادادی است که برای همگان ثابت شده که آگاهی از فضائل و رذایل اخلاقی یکی از عناصر توازن بخشی به شخصیت آدمی است.

^۱ کریمی، زن و مرد، تشابه، تساوی یا تناسب، ص ۱۱۴.

^۲ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۱۰۹۴.

قرآن پیوسته به نزاع درونی انسان میان گرایش‌های خیر و تمایلات شر توجه داشته است طبق آیات قرآن کریم خداوند متعال افعال را که سبب کمال یا انحطاط انسان می‌شود به او الهام کرده:^۱

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۲

تکریم الهی

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۳

کرامت انسان یعنی استعداد کمالات مادی، معنوی، فکر و اندیشه به او دادیم که بتوان در طبیعت هر نوع تصرف خدایی کند و نیز خود را انسانی الهی بسازد این برتری همان فضیلت معنوی و قدرت برخودسازی است تا جایی که انسان کامل می‌تواند از فرشتگان هم برتر شود ابتکار عمل در ظهور دادن کمالات و فضایل نفسانی به دست انسان داده شده است.^۴

کرامت انسانی که مربوط به ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی آدمی است و ناظر بر شرافت ذاتی، جلوه‌های گوناگونی: علم به اسماء، آفرینشی شبیه خداوند، و خلافت و تسخیر آسمان و زمین که همه این‌ها مرهون خلافت اوست. انسان رابه این‌ها کرامت داده تا به ارزش فوق‌العاده خود پی ببرد.^۵

طبق آیات قرآن کریم از میان همه موجودات جهان طبیعت، انسان مورد احترام و اکرام ویژه‌ای از طرف ذات اقدس الهی واقع شده است.

این آیه شریفه به گرامیداشت فرزندان آدم و نشانه برتری آنان و نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به آنان ارزانی گردیده پرداخته می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۶ به یقین ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم».

به باور بیشتر مفسران منظور این است که ما آنان را به نعمت‌های گوناگونی زندگی دنیا، چهره‌های زیبا و آراسته، رام شدن پدیده‌ها برای آنان، بعثت پیامبران فرود آمدن پیام‌ها و کتاب‌های آسمانی مفتخر ساختیم و به باور برخی منظور این است که: رفتار ما با فرزندان آدم بر اساس کرامت و احترام آمیز است که این گرامی داشت به‌وسیله ارزانی شدن نعمت‌های گوناگون است.^۷

^۱ مظاهری شخصیت زن در قرآن و عهدین، صص ۸۸ _ ۸۶.

^۲ بلد: ۱۰.

^۳ اسراء: ۷۰.

^۴ بهرام‌پور، نسیم وحی، جزء ۱۵، صص ۱۶۶ _ ۱۶۵.

^۵ مظاهری، شخصیت زن در قرآن و عهدین، صص ۹۸ _ ۸۰.

^۶ اسراء: ۷۰.

^۷ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۸، صص ۲۰۳_۲۰۱.

حق انتخاب انتخاب و تعیین سرنوشت

از ویژگی‌های انسان در جهان‌بینی دینی، داشتن قدرت انتخاب و تعیین سرنوشت است که براساس آن مسیر زندگی خود را پیموده تا به سعادت دست پیدا کند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۱.

در تفسیر این آیه بیان شده که هدایت مخصوص اهل ایمان نیست بلکه به همه مردم نصب ادله کردیم و آلات تمکین که عطا نموده و ازاحه علت کرده پس بر آن نهج که هدایت شاکر نموده‌ایم، هدایت کافر نیز نموده و همه را زمام اختیار ایمان دادیم.^۲

یا در دیدگاه دیگر اینکه برای انسان آشکار ساختیم و دلیل‌ها و علت‌ها را برایش اقامه کردیم و در هر دو حال سپاس و ناسپاس به او قدرت دادیم.^۳

تسخیر متقابل موجودات و هماهنگی میان آحاد و طبقات متفاوت موجب اداره نظام به بهترین وجه است.^۴ در آیاتی دیگر می‌فرماید: «أَهُمْ يُقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»؛ آیا آنان رحمت پروردگار را تقسیم می‌کنند معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی را برخی از آنها از نظر درجات بالاتر قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است».

همان‌طور که اختلاف طبقات، استعداد، گرایش‌ها، جاذبه و دافعه هیچ یک معیار فضیلت نیستند و ابزار لازم برای تحقیق تسخیر متقابل و دوجانبه است: «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا». اختلاف زن و مرد هم چنین است؛ استعداد برتر فایده بهتر ببرد و خالصانه‌تر کار کند، به مرتبه بالاتری از تقوا می‌رسد از این جهت، به کمال محض نزدیک‌تر خواهد شد؛ پس استعدادهای فضیلت ظاهری است نه نشانه تقرب به خدا.^۵

بنابراین قانون خلقت از این تفاوت‌ها منظور دیگری داشته که این تفاوت‌ها پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر و شالوده وحدت آنها را بهتر بریزد. قانون خلقت این تفاوت‌ها را به این منظور ایجاد کرده، که به دست خود،

^۱ انسان: ۳.

^۲ کاشانی، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج ۵، ص ۷۲۲.

^۳ طبرسی، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۵.

^۴ زن در آینه جلال و جمال، ص ۲۰۷.

^۵ زخرف: ۳۲.

^۶ همان.

^۷ جواد آملی، زن در آینه جلال و جمال، صص ۲۰۸-۲۰۶.

حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کند. قانون خلقت تفاوت‌های زن و مرد را به منظوری شبیه منظور اختلافات میان اعضای بدن ایجاد کرده و هر یک از اعضا را در وضع مخصوصی قرار داده است، نه از جهت تبعیض و یا یکی نسبت به دیگری جفا روا داشته است، به هر حال تفاوت زن و مرد تناسب است نه نقض و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده است به وجود آورد.^۱

زن و مرد برخلاف آنچه برخی می‌پندارند مانند یکدیگر نیستند و کارکردها و انتظارات از آنها در برخی از امور حقیقتاً متفاوت است؛ زن و مرد نه دارای شرایط متشابه و نه شرایط متساوی، بلکه دارای وضعیت متناسب و موافق و مکمل هستند. این دو مجموعه از نظر تکالیف و حقوق مثل و مساوی هم نیستند اما با یکدیگر همخوان و همگرا هستند. بنابراین زن و مرد گرچه دارای تفاوت‌های تکوینی و تشریحی متعددی‌اند و این اصل در قرآن و روایات و علوم تجربی هم به وضوح مشخص شده است اما این اختلافات فی حد نفسه موجب تفاوت ارزشی نمی‌شود؛ آنچه مهم است عمل خوب و بد و نیت آن است؛ آنچه ارزش واقعی و ذاتی دارد، تقوا و پرهیزکاری است که چه در مردان و چه زنان موجب کرامت بیشتر است.

طبق نگاه آیات و روایات دینی مسئله این‌گونه است اما در طول تاریخ و در میان جوامع انسانی به دلیل رفتار نامناسب و برداشته‌های غلط و اندیشه‌های غیر الهی به گونه دیگر برخورد شده است.

دنیا و مناصب دنیوی دو سویه است، اگر مستقل دیده شوند و انسان به آنها دلبستگی پیدا کند، ضد ارزش و مضموم و مانع کمال بشر هستند ولی اگر مقدمه و مزرعه آخرت قرار قرار گیرند وسیله و به جا آوردن حقوق الهی و انسانی و رشد و تقرب به سوی حق واقع شوند، ارزش و مطلوب و ممدوح هستند، لذا زن و مرد هر دو دارای شخصیت انسانی و برای رسیدن به سعادت و کمال نهایی یعنی قرب الی الله آفریده شده‌اند و خداوند از جهت تکوینی و تشریحی شرایطی را پدید آورده است که زن و مرد هر کدام متناسب با ظرفیت و امکانات خویش راه سعادت را بپیمایند گرچه هدف واحد و مشترک است، اما راه‌های رسیدن به کمال با توجه به امکانات و وظایف زن و مرد در مواردی متفاوت است.^۲

۳. حقوق و جایگاه زن در اسلام

وقتی می‌گوییم زن یا مرد حق دارند و نیز... باید بررسی شود این حق را چه کسی داده است و از کجا باید این حقوق را آموخت و با چه شرایطی حق دارند.

^۱ مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۱۶۳-۱۶۱.

^۲ کریمی، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، صص ۱۱۸-۱۱۵.

مسئله حقوق، جزو علوم انسانی است و علوم انسانی تا زمانی که انسان شناخته نشود سامان نمی‌یابد و انسان نیز وقتی شناخته می‌شود که همه حیثیت‌های فردی و جمعی او بررسی و رابطه وی با جهان تبیین شود و نیز خود جهان شناخته شود؛ چون اگر جهان را نشناسیم، رابطه انسان و جهان مبهم است. در پرتو تبیین این مثلث است که انسان می‌تواند در رابطه با حقوق بشر فتوا دهد، تا زمانی که سه موضوع یاد شده مجهول است عقل حکم می‌کند که این حقوق را از مبدأیی بگیریم که جهان و انسان را آفریده و آن دو را پیوند داده است. آن‌گاه عقل حکم می‌کند که حقوق زن و مرد چقدر است.

بر پایه منابع غنی و قوی اصول مبانی حقوق در اسلام، چیزی حق است که از اثبات تکوینی برخوردار و نیز مطابق واقعیت نظام هستی باشد و چیزی که نه خود از اثبات تکوینی سهم بسزایی دارد و نه پشتوانه تکوینی دارد بلکه برخواسته از خواسته‌های نفسانی است، حق نیست؛ بلکه باطلی است شبیه حقوق ظلمی است در کسوت عدل.

برای ترسیم حقوق زن بررسی دو عنصر محوری لازم است:

۱. شناخت اصل انسانیت که حقیقت مشترک زن و مرد است.

۲. هویت صنفی زن که واقعیت مختص به اوست و هیچ مبدأیی برای تشخیص صحیح آن حقیقت مشترک و این هویت مختص، صالح‌تر از آفریدگار عالم و آدم نیست و خداوند نظر صاحب و رای ثاقب خویش را در چهره وحی آسمانی به خوبی روشن نموده و شرح آن را به عهده صدور مشروح اهل بیت عصمت و طهارت (علیه‌السلام) سپرده. از تشریح خطوط کلی حق مشترک و حق مختص زن و مرد استنباط می‌شود که چیزی حق مشترک است که در تعالی روح و ارتقای انسانیت مشترک زن و مرد مؤثر باشد و همچنین چیزی حق مختص است که در پرورش هویت مختص زن یا مرد سهم بسزایی داشته باشد؛ مثلاً فراگیری علوم و معارف که در بخش حکمت نظری، پایه کمال انسانیت است، حق مسلم زن و مرد است و همچنین تخلق به فضایل اخلاقی که در بخش حکمت عملی، پایه کمال بشریت است حق قطعه هر دو صنف یاد شده است.^۱

در عصری که اسلام ظهور کرد، تقریباً زنان تمام جوامع؛ از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم بودند شناخت وضعیت زن در عصر جاهلی از آن جهت حائز اهمیت است که ما را به تحول نقش و جایگاه وی در ظهور پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) رهنمون می‌شود. بررسی و شناخت نقش اسلام در بازگشت بازگرداندن زن به هویت، حیثیت کرامت خدادادی انسانی خود، ما را بر آن می‌دارد جایگاه و موقعیت او را با تأکید بر وحی مورد دقت و تأمل قرار دهیم. در قرآن، زنده به گور کردن دختران به حدی زشت و منفور معرفی

^۱ جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، صص ۲۸۰-۲۷۸.

شده که رسیدگی به این موضوع از حوادث مهم رستاخیز شمرده شده که بدین وسیله پرونده یکی از فاجعه آمیزترین پدیده‌های جاهلیت گشوده می‌شود و از دخترانی که زنده به گور شده‌اند سؤال می‌شود به چه جرمی کشته شده‌اند و این نشانه مبارزه قاطع قرآن با این پدیده شوم جاهلی است.^۱

آنچه از بررسی متون دینی به دست می‌آید، نشانگر این است که اسلام به زن و مرد، از دو بعد مختلف می‌نگرد که می‌توان از آن‌ها به دو بعد انسانی و بشری تعبیر نمود.

اما فارغ از این بعد انسانی، زن و مرد از جهات طبیعی تفاوت‌هایی دارند که باعث تفاوت در جایگاه اجتماعی و حقوقی آنان گردیده که این تفاوت‌ها:

۱_ تفاوت‌های طبیعی که در واقع تفاوت‌های زیستی و روانی است.

۲_ تفاوت‌های اجتماعی که محصول جامعه انسانی و رفتار و مناسبت‌های میان آدمیان است.

۳_ تفاوت‌های در پاره‌ای از احکام دینی که ناشی از وحی می‌باشد.

در حقیقت ضرورت تقسیم کار تقسیم مسئولیت و تنظیم کار کرد طبیعی زن و مرد رعایت تخصص و وظایف غیر مشترک آنان، موجب چنین تفاوت‌هایی شده است.

به هر حال آنچه مسلم است، اسلام حقوق یکنواختی برای زنان و مرد و مرد در نظر نگرفته است، که این امر برای پرهیز از تشابه حقوقی بوده و نه مخالفت با تساوی حقوقی آنان.^۲

– حقوق سیاسی

در زمینه حضور سیاسی زنان، اسلام فرصت‌های مختلف را برای آنان فراهم نموده. زنان در بیعت با پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) مهم‌ترین نماد مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام است.

در مجموع آنچه از متون اسلامی و سیره عملی اسلام استنباط می‌شود، این است که برای مشارکت سیاسی زنان، منع خاصی در اسلام وجود ندارد و زنان می‌توانند همانند مردان از حقوق سیاسی برخوردار شوند؛ تنها برخی از مناصب بالای حکومت است که زنان به ظاهر از دست یافتن به آنها منع گردیده‌اند.^۳

– حقوق مدنی و قانونی

^۱ فتاحی‌زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، صص ۴۵_۴۱.

^۲ طغرانگار، حقوق سیاسی اجتماعی زنان، صص ۶۶_۶۵.

^۳ عظیمی، نگاهی به حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۰.

در اسلام زنان حق دارند همسر دلخواه خود را به اختیار انتخاب کنند و صحت عقد و ازدواج و رضایت آنان منوط گردیده است. در زندگی مشترک زناشویی نیز به استناد آیه شریفه: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در کنار وظایفی که برعهده دارند از حقوقی بهره‌مند هستند.^۱

– حقوق اجتماعی

قرآن درباره عظمت حقوقی و اجتماعی زنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَنْدَهُبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۲ (ای اهل ایمان بر شما روانیست که زنان را به سان کالا و دارایی برجامانده از پدرتان به ارث برید یا بدون رضایتشان بخواهید آنان را به عقیده خویش درآورید).
در تفسیر این جمله برخی بر آنند که:

شما حق ندارید زنان را به انگیزه طمعی که در ارث بردن از آنان دارید، زندانی کنید تا بمیرند و مالشان را بخورید و نیز بر شما روا نیست که آنان را در تنگنا قرار دهید تا دارای خود را به شما ببخشند یا از مهریه خویشان بگذرند و بروند.

به عقیده برخی مفسران، روی سخن با شوهران است که یا باید با زنان شرافتمندانه زندگی کنند و یا محترمانه و عادلانه از آنان جدا شوند و آنان را در تنگنا نگذردند که حقوقشان را رها کنند و بروند.^۳

در اسلام، زنان چون مردان در بیشتر مسائل اجتماعی پایگاه و جایگاه مناسبی دارند و از حرکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های گروهی ممنوع نگردیدند؛ بلکه طبق تعالیم مسلم قرآنی وحدیثی، مسئولیت‌های اجتماعی به‌طور یکسان متوجه مرد و زن است.

اسلام نه تنها از حضور زنان در اجتماع جلوگیری ننموده است بلکه با روش‌های خاصی سعی بر این داشته که زمینه لازم برای حضور مناسب زنان را در جامعه فراهم کند. تأکید و توجهی که به فعالیت‌هایی همانند امر به معروف و نهی از منکر، کار آموزش، انجام واجبات دینی همانند حج و ... تفاوتی میان زن و مرد نیست هرچند که مشارکت زنان در بسیاری از این امور مستلزم آگاهی‌های لازم برای حضور در این فعالیت‌هاست.^۴

– حقوق اقتصادی

^۱ طغرانگار، حقوق سیاسی اجتماعی زنان، صص ۶۹-۶۸.

^۲ نساء: ۱۹.

^۳ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۴.

^۴ بی‌آزارشیرازی، مظلومیت زن در طول تاریخ، ص ۴۴.

اسلام حقوق اقتصادی زنان را به رسمیت شناخته و مهم‌ترین حقوق آنان در اسلام را حق مالکیت، حق کسب و کار حق ارث، هرچند که مهر و نفقه را نیز می‌توان نوعی حق اقتصادی برای زنان دانست.^۱

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، در دوران جاهلیت بر اثر نادانی و رواج آداب و رسوم غلط و ظالمانه، دختران را از ارث محروم ساخته و این آیه برای براندازی شیوه بیدادگرانه و احیا بخشی از حقوق پامال شده زن فرود آمده.^۲

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ برای مردان، از اموالی که پدر و مادر و نزدیکان بر جا می‌گذارند؛ بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و نزدیکان به ارث می‌نهند، سهمی است، خواه این ثروت بر جای مانده کم باشد یا بسیار این بهره و سهمی است که خدا برای هر کس مقرر فرموده و باید به صاحب حق داده شود)».

در واقع اسلام به زنان از نظر اقتصادی به‌صورت افراد مستقل می‌نگرد که می‌تواند با خار کردن کسب درآمد نماید و از دست رنج خود بهره‌مند گردد.

درباره حقوق زنان در اسلام باید به نکته مهم توجه داشت نخست آن‌که امروزه با تحولات گسترده‌ای که در جهان صورت گرفته توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی نیز به مباحث حقوق بشر و حقوق زنان و دیدگاه‌های اسلامی در این باره جلب شده است و نظرات جدیدی مطرح گردیده که قابل تامل هستند.

نکته دوم این‌که گاه به غلط برخی از آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی درباره زنان به‌صورت تعالیم اسلامی مطرح می‌گردند طبیعی است که نباید این باورها را جز دستورات اسلامی و آموزه‌های دینی در نظر گرفت.^۳

برابر این تحقیق عینی حقوق زن در خانواده و جامعه و اجتماع در گروه چند عنصر محوری و ضروری است اثبات اصل حق و شئون آن با دلیل عقلی و نقلی معتبر و تدوین آن به‌صورت تبصره‌هایی حقوقی و تصویب آن در محافل رسمی قانون‌گذاری آن رعایت اصول اخلاقی که مهم‌ترین عامل تضمین‌کننده حقوق افراد است.^۴

لذا در این اشاره شده به مسئله هدایت و آزادی اراده و اختیاری که لازم و ملزوم یکدیگر و مکمل یکدیگرند، خداوند لطف و رحمت خود را بر بندگانش از طریق الهام‌های درونی ارسال رسولان گسترانده است و از آنجا که انسان را برای هدف ابتلا و امتحان و تکامل آفریده است، مقدمات وصول به این هدف را نیز در وجود او آفریده و

^۱ عظیمی، نگاهی به حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۲.

^۲ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۱۹.

^۳ نساء: ۷.

^۴ طغر انگار، حقوق سیاسی اجتماعی زنان، صص ۷۰-۶۹.

^۵ جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۸۳.

نیروی لازم که همان نیروی درونی و فطری الهی است، در پی آن راه را نیز نشان داده تا با انتخاب اختیار خود مستحق پاداش الهی شود.^۱

۴. تفاوت زن با مرد

تفاوت ویژگی‌های زن و مرد از ظرایف عجیب جهان خلقت و رمز وابستگی این دو جنس به یکدیگر است.^۲ لذا روشن است که تفاوت‌های تکوینی زن و مرد مطلبی انکارناپذیر است و خداوند حکیم با احاطه بر این تفاوت‌ها، برای هر یک از دو دسته وظایف و مسئولیت‌هایی مقرر فرموده است تا نظام هستی به نحو احسن اداره شود از این‌رو، در سوره نساء تفاوت‌های موجود بین زن و مرد را مطابق حق و عدالت می‌داند.^۳

بنابراین در این سوره مبارکه ضمن برابری زن و مرد در اصل انسانیت به پاره‌ای از تفاوت‌های ظاهری و حقوقی آنان اشاره فرموده: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».^۴

مردان را در نظام خانواده کارگزار و تدبیرگر امور زنانه و سرپرستی و مدیریت جامعه کوچک خانواده را به عهده دارند؛ و این به خاطر تفاوت‌ها و برتری برخی انسان‌ها بر برخی دیگر است که دستگاه حکیمانه آفرینش بر اساس مصلحت در نظر گرفته است؛ راز مدیریت مرد به این دلیل است که مردان به‌طور عادی از نظر دانش و خرد و استواری دیدگاه و تصمیم بر کارها، بر زنان برتری دارند؛ و دیگر بدان جهت است که از دارایی و ثمره تلاش خود، هم به زنان مهریه می‌پردازند، و هم هزینه خانه و خانواده را تأمین می‌کنند.^۵

و همچنین در آیه مبارکه ۳۲ سوره نساء بیان فرمودند: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ».

و آنچه را که خداوند به وسیله آن، برخی را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نکنید، چرا که این گونه سخن گفتن نشانه از آفت حسد دارد، به باور بلخی منظور این است که نباید مرد آرزو کند که ای کاش من زن بودم یا بالعکس؛ چرا که آفرینش بر اساس حکمت و مصلحت می‌باشد.^۶

اما از دیدگاه علامه طباطبایی آن است که از ظاهر آیه:

^۱ مظاهری، شخصیت زن در قرآن و عهدین، صص ۹۸ - ۸۰.

^۲ کریمی، زن و مرد تشابه تساوی یا تناسب، ص ۱۱۵.

^۳ فتاحی‌زاده، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۲۴۴.

^۴ نساء: ۳۴.

^۵ طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۴.

^۶ بیستونی، تفسیر بیان، ج ۵، ص ۵۴ - ۵۳.

مراد از فضل و برتری چیزی است که خداوند متعال با تشریح، احکام ویژه‌ای به هر یک از زن و مرد روزی آنان کرده، مانند مزیت مردها از حیث تعدد زوجات و زیادی سهم ارث بر زنان و مزیت زنان در چهارچوب مهریه و نفقه بر شوهرانشان. و نهی از آرزوی مزایای معاشرین قطع ریشه فساد است چرا که اول به صورت آرزو جلوه‌گر شده و سپس تبدیل به حسد می‌گردد.^۱

البته نباید اشتباه کرد که آیه اشاره به تفاوت‌های واقعی و طبیعی می‌کند نه تفاوت‌های ساختگی که بر اثر استعمار و استثمار طبقاتی به وجود آید. لذا بلافاصله می‌فرماید: «مردان و زنان هر کدام بهره‌ای از کوشش‌ها تلاش‌ها و موقعیت خود دارند» خواه موقعیت طبیعی باشد مانند تفاوت دو جنس مرد و زن با یکدیگر و یا تفاوت به خاطر تلاش‌ها و کوشش‌های اختیاری. سپس می‌فرماید: «به جای آرزو کردن این‌گونه تفاوت‌ها، از فضل خدا، لطف و کرم او تمنا کنید که شما از نعمت‌های مختلف و موقعیت‌ها و پاداش‌های نیک ارزانی داشته.^۲

مردم با استعداد‌های مختلف و شرایط گوناگون آفریده شده‌اند و اگر همه در یک سطح از استعداد و قدرت بودن نظام هستی متلاشی می‌شد؛ چون کارهای گوناگون هست و آنها را باید استعداد‌های گوناگون به عهده بگیرند این رو باید تفاوت باشد و قهره نمی‌شود اصل تفاوت را انکار کرد، چون تا شئون متفاوت وجود دارد استعداد‌های گوناگون و لازمه آن وجود افراد متفاوت است. اگر فرض شود که همه جامعه انسانی مرد باشند، از تصور چنین فرضی، عدم لازم می‌آید زیرا دیگر همه‌ای در کار نخواهد بود؛ چون با نبودن زن، مردی متولد نمی‌شود و اگر مرد نباشد زن به تنهایی نمی‌تواند مبدأ پیدایش نسل باشد؛ بنابراین هر، دو رکن این نظام انسانی هستند. رهنمود قرآن کریم درباره این تفاوت چنین است: باید زندگی به بهترین وجه اداره شود.

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۴۹۹.

^۲ مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹۵.

نتیجه گیری

از این ارزیابی‌ها روشن می‌شود که در تاریخ و اندیشه اسلامی از زن به عظمت یاد شده است و این اختصاص به قرآن ندارد بلکه در انجیل و تورات نیز مطرح بوده است تکلم با فرشتگان و دریافت بشارت آنها شنیدن، از مواردی است که زن نیز مانند مرد در همه صحنه‌ها سهیم بوده است؛ از این رو قرآن کریم که از زنان یاد می‌کند مادر مریم یا خود او را جزو آل عمران شمرده، در زمره اصفیا قرار می‌دهد و به دیگر سخن، میان مردم جهان این زنان نیز همانند انبیاء و اولیای خاص، از اصفیای الهی‌اند و اینکه ذات اقدس الهی برای مردم مؤمن نمونه و الگویی از زنان را برای جامعه اسلامی معرفی نموده بنابراین هیچ بخشی از قوای روحی نیست که تنها مردان پیشتاز در آن بوده و زنان سهمی از آن نداشته باشند، و این که احکام و اوصافی که به اصل زن بودن او برمی‌گردد هیچ‌گونه تغییری طی قرون و اعصار در آنها رخ نمی‌دهد مانند لزوم حجاب و عفاف و صدها حکم عبادی و غیر عبادی دیگری که مخصوص زن است و هرگز دگرگون نمی‌شود.

و احکام و اوصافی که به کیفیت تربیت و نحوه محیط پرورش زن مربوط می‌شود و اگر در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابند و چون مردان بیندیشند و تدبیر داشته باشند، تمایزی از این جهت با مردان ندارند اگر زنان مستعد نیز به حوزه‌ها و دانشگاه‌های علمی راه یابند به فراگیری علوم بپردازند و از و از جهان‌بینی، انسان‌شناسی، دنیاشناسی، آخرت‌شناسی و سایر مسائل اسلامی آگاهی کامل یابند و به نحو تعلیم و تبلیغ دینی آنان چون رجال مذهبی باشد، نمی‌توان گفت که روایات نکوهش زنان و احادیث پرهیز از مشورت با آنها و ادله نارسایی عقول آنان، اطلاق دارد و هیچ انصرافی از زنان دانشمند و محققان از این صنف ندارد و همچون احکام قسم اول، موضوع همه آن ادله، ذات زن از حیث زن بودن است.

زن باید نسبت به تمام کارهای مربوط به خود از تحصیل و کسب مهارت‌ها و تخصص‌های زنانه برای تحقق حضور متناسب در جامعه و خودکفایی در همه زمینه‌ها فعال بوده هرچند تصدی اجتماعی مردان بیشتر از زنان است در عوض تصدی مسئولیت‌های زن نسبت به خانه و خانواده بیشتر است و این محدودیت اهمال و اجحاف نسبت به شئون و حقوق زن نیست. بنابراین اسلام بر صلاحیت کامل زن برای زندگی معنوی و دستیابی به بالاترین مراتب کمال تأکید می‌نماید در راستای این تأکید بر بهره‌مندی زن از انسانیت کامل و صلاحیت روحی و اخلاقی کامل او و پاکی و بی‌گناهی تمام اوست که خدای متعال اکرام و احترام زن را واجب و از هرگونه

بی‌احترامی و بدرفتاری را تحریم نموده پس برای پی بردن به عظمت مقام زن باید از اندیشه جامعه جاهلیت زدایی کرده و مغایرت برخی اعتقادات با نظر اسلام را تبیین نماییم زیرا با چیره شدن بیگانگان ارزش‌های دینی و از جمله مقام اسلامی زن به دست فراموشی سپرد می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. بهرام‌پور، ابوالفضل، نسیم حیات، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه. ش.
۳. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، **مظلومیت زن در طول تاریخ**، تهران: نشر بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۴ ه. ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، **زن در آیینه جلال و جمال**، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۵. حکیمی، محمد، **دفاع از حقوق زن**، بی‌جا: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۶. طغر انگار، حسن، **حقوق سیاسی اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران**، بی‌جا: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۷. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان**، ترجمه استاد کرمانی استاد خامنه‌ای، بی‌جا: انتشارات رجا، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ ه. ش.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه مجمع البیان**، ترجمه علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ه. ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، ترجمه عبدالعلی صاحبی، بی‌جا: نشر آستان قدس، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۰. عظیمی، زهرا، **نگاهی به حقوق زن در اسلام**، قم: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۱. فتاحی‌زاده، فتحیه، **زن در تاریخ و اندیشه اسلامی**، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۲. کریمی، حمید، **زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب**، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۳. کریمی، حمید، **حقوق زن**، تهران: ناشر انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۴. بیستونی، محمد، **تفسیر بیان**، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **برگزیده تفسیر نمونه**، تنظیم علی بابایی، تهران: ناشر دارالکتاب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ه. ش.

۱۶. مظاهری، حبیب، **شخصیت زن در قرآن و عهدین**، قم: مرکز چاپ نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه.ش.

۱۷. مطهری، مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: انتشار صدرا، چاپ شصت و دوم، ۱۳۹۱ ه.ش.